

## کاربردِ کاربری

بابک شریف

در شماره بیست و هشتم آن نشریه (زمستان ۷۷) مطلبی با عنوان "کاربری و کاربرد" به قلم مترجم گرانمایه آقای عبدالله کوثری به چاپ رسیده است. ایشان در پایان، بزرگوارانه خواهان استدلال مخالفان احتمالی نظر خود شده بودند. نوشته زیر توضیحی است در باب آن مطلب.

در مورد واژه "کاربری" آقای کوثری دو بحث را مطرح کرده‌اند: یک بحث صوری و یک بحث معنایی. در بحث صوری، شکل مصدری درست ترکیب "کاربردن" و در بحث معنایی، معنای صحیح واژه use را واژه "کاربرد" دانسته‌اند.

در مورد اول، برای مصدر کاربردن تنها شکل مصدری "کاربرد" را مجاز دانسته‌اند و بعنوان مثال نیز شکل مصدری "کاربست" را برای مصدر "به کار بستن" ذکر نموده‌اند که کاملاً درست است، اما این مصدر اخیر شکل مصدری دیگری هم دارد که "کاربندی" (ر.ک. فرهنگ معین، ذیل همین ماده) است و اگر بخواهیم به قیاس با این واژه برای مصدر "کاربردن" هم شکل مصدری مشابهی بسازیم (که مطمئناً این کار لااقل از نظر آقای کوثری که "کاربرد را" به قیاس از "کاربست" ذکر کرده‌اند درست است) می‌شود "کاربری".

لیکن این کار به کاربست و کاربندی محدود نمی‌شود. زیرا در باب شکل مصدری یا به عبارت دستوری دقیقتر، اسم مصدر و حاصل مصدر افعال و از آن جمله افعال مرکب می‌دانیم که اساساً این گونه مشتقات را با استفاده از بن ماضی و بن مضارع، هر دو، می‌توان ساخت. به عنوان مثال از مصدر "پیش رفتن" اسم مصدر "پیشرفت" با بن ماضی و حاصل مصدر "پیشروی" با بن مضارع آن ساخته شده‌اند و نیاز به توضیح نیست که این دو واژه دارای دو معنی و دو کاربرد کاملاً متفاوتند. همینگونه‌اند واژه‌های "زیرساخت" و "زیرسازی" "بازدید" و "بازبینی"، قس علی هذا.

مثال برای ساختن اسم مصدر و حاصل مصدر تنها از روی بن مضارع افعال مرکب نیز فراوان است که از آن جمله‌اند کارآیی، جهانگردی، گردهمایی، همایش، عقب نشینی، عقب‌گرد، پسروی، کجروی، ... پس واژه "کاربری" از حیث شکل مصدری درست است.

اما در مورد معنای "کاربری" باید گفت "کاربری" به معنای labour-intensivity و "کاربری" به معنای use علی‌رغم شباهت لفظی و برخلاف تصور آقای کوثری دو واژه با دو ماهیت متفاوت می‌باشند. "کاربری" با معنای اخیر (use) همانطور که آقای کوثری نیز اشاره کرده‌اند شکل مصدری (حاصل مصدر) است از مصدر "به کار بردن". این مصدر برابر با الگوی "[حرف اضافه+] اسم + فعل"

است مانند به هم زدن، به کار انداختن، به راه انداختن، راه بردن، جازدن، ... در این الگو "اسم" نقش مفعولی یا متممی ندارد بلکه همواره کلمه یا کلمات دیگر (از جمله فعل که در این جا معنای اصلی خود را از دست داده) یک مفهوم واحد را بیان می‌کند و به همین دلیل فعل مرکب محسوب می‌گردد. در اینگونه افعال برای ساختن حاصل مصدر با بن مضارع، به آخر صفت فاعلی مرخم یک 'ی' می‌افزاییم و در صفت فاعلی مرخم هم معمولاً حرف اضافه اول فعل حذف می‌شود، مانند:

	هم زن	به هم زدن
کار اندازی	کار انداز	به کار انداختن
راه اندازی	راه انداز	به راه انداختن
کاربری	کاربر	به کار بردن

که واژه کاربر مدتهاست در برابر user به کار می‌رود.

اما "کاربری" با معنای نخست حاصل مصدر است از عبارت "کار بردن". این عبارت مطابق است با الگوی "مفعول + فعل متعدی" مانند آش پختن، خانه ساختن... که فعل مرکب محسوب نمی‌شوند ولی می‌توان با بن مضارعشان حاصل مصدر ساخت، مثل آشپزی، خانه سازی....

و اما واژه "کاربرد" که فرموده‌اند معادل درست use است تنها بخشی از حوزه معنایی use را دربرمی‌گیرد و تا آن جا که نگارنده در متون علمی و فنی دیده، بیشتر در برابر application بکار می‌رود. لذا می‌توان معنای اخیر یعنی "مورد خاص مصرف یک ساختمان یا زمین یا به طور کلی یک مکان" را برای دیگر شکل مصدری این فعل یعنی "کاربری" اراده کرد. این کار نه تنها اشکالی ندارد بلکه همانگونه که گفتیم طبیعی است که اشکال مختلف مصدری یک فعل دارای معانی مختلفی باشد. ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که یکی از ضوابط واژه‌گزینی این است که در یک حوزه معنایی حتی الامکان بین مفاهیم و واژه‌ها تناظر یک به یک وجود داشته باشد، یعنی هر مفهوم یک واژه نظیر داشته باشد و هر واژه تنها دال یک مفهوم باشد و از این دیدگاه نیز کاربری در معنای use بر کاربرد ارجح است.

در پایان امیدوارم استاد کوثری جسارت این حقیر را به دیده اغماض نگرند که اگر نبود سخن متواضعانه ایشان در انتهای مطلبشان، این قلم هرگز به خود اجازه نگذاشتن سطور بالا را نمی‌داد.

#### مآخذ:

۱. معین، محمد، اسم مصدر، امیرکبیر ۱۳۶۹
۲. کافی، علی، مبانی علمی واژه سازی و واژه‌گزینی، نامه فرهنگستان، تابستان ۱۳۷۴

## پاسخ به مقاله کاربرد کاربری

عبدالله کوثری

با سپاس از آقای شریف که درخواست مرا پذیرفته و نظر خود را درباره کاربرد و کاربری به تفصیل بیان کرده‌اند، می‌کوشم گفته‌های ایشان را به اختصار پاسخ گویم.

نخست این که من در نوشتن آن مطلب تنها به دریافت شخصی خود بسنده نکردم. بیش از نوشتن به اغلب فرهنگهای معتبر که در دسترس داشتم نگاهی انداختم. این فرهنگها بدین قرارند: فرهنگ انگلیسی-فارسی باطنی، فرهنگ انگلیسی-فارسی محمدرضا جعفری، واژگان فلسفه و علوم اجتماعی آشوری، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی (مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی) و واژگان اقتصاد و زمینه‌های وابسته، کاظم فرهادی (که دربرگیرنده برابر نهادهای صدها کتاب در این زمینه از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۵ است). علاوه بر این، از آن جاکه خود حدود چهارده سال ویراستار متون اقتصادی و بطور کلی علوم انسانی بوده‌ام می‌توانستم تا حدی به ذهن خود نیز اعتماد کنم؛ باری در هیچ یک از این مآخذ کاربری را در مقابل use و usage نیافتم. و از این روی بود که تأکید کردم این واژه را در متون جدید مربوط به معماری و شهرسازی دیده‌ام. اما از آن جاکه آقای شریف بحث خود را بیشتر بر قواعد دستور زبان استوار کرده‌اند، در این جا به گونه‌ای مختصر به این جنبه بحث نیز اشاره می‌کنم.

در مورد اسم مصدر ایشان نوشته‌اند: "اسم مصدر را می‌توان از بن ماضی و بن مضارع هر دو ساخت." به گمان من تعریف دقیق‌تر را استاد زنده یاد خانلری در کتاب دستور زبان فارسی آورده است: "یک نوع اسم مصدر نیز در فارسی هست که تنها از ماده ماضی یا مضارع، بی افزودن جزیی به آن ساخته می‌شود." این تعریف دقیق‌تر است، از آن روی که مادر بسیاری موارد اسم مصدر ساخته از بن ماضی را دیده‌ایم اما اسم مصدری را که از بن مضارع همان فعل ساخته شده باشد، ندیده‌ایم. به این چند نمونه توجه کنید:

- از پیش بردن، پیشبرد داریم، پیشبری نداریم
- از به دست آوردن، دستاورد داریم، دستاوری نداریم
- از روی کردن، رویکرد داریم، روی‌کنی نداریم
- از بزرگداشتن، بزرگداشت داریم، بزرگداری نداریم
- از دست بردن، دستبرد داریم، دستبری نداریم
- از برون شدن، برون‌شد داریم، برون‌شوی نداریم

از دیرکردن، دیرکرد داریم، دیرکنی نداریم

از کارکردن، کارکرد داریم، کارکنی نداریم

بی‌گمان نمونه‌هایی از این دست باز هم می‌توان برشمرد. در موارد دیگر که اسم مصدر از بن مضارع ساخته می‌شود، معنای آن با آن چه از بن ماضی ساخته شده یکی نیست:

رهبرد و رهبری

کارآمد و کارآیی

بازدید (دید و بازدید) و بازبینی

بهداشت و بهداری

پاسداشت و پاسداری

گاه نیز هر دو اسم مصدر معنایی کم و بیش یکسان می‌یابند مثل پیشرفت و پیشروی و کاربست و کاربندی. به گمان من نکته مهمی که باید مورد توجه باشد این است که داشتن مجوز دستوری برای ساختن اسم مصدر یا صفت یا هر چیز دیگر به تنهایی کافی نیست. باید ببینیم این واژه ساخته شده در چه حوزه معنایی قرار می‌گیرد. اگر آنچه ساخته‌ایم پیش از آن در زبان فارسی معنایی روشن داشته و در آن معنا به کار رفته، تحمیل معنایی دیگر بر آن واژه درست نیست و سبب سردرگمی اهل زبان خواهد شد. پس اگر می‌پذیریم کاربری (از بن مضارع کار بردن و نه به کار بردن) درست است و در بسیاری متون هم به کار رفته، چرا آن را به معنایی دیگر به کار بگیریم؟ دو واژه کاربرد و کاربری از واژگانی هستند که احتمال حضور آنها، با معانی متفاوت در یک متن زیاد است. آیا بهتر نیست که هر یک را در حوزه معنایی خودش به کار ببریم؟ آنچه گفتم در مورد واژه کاربر نیز صادق است. گویا این واژه اول بار در متون مربوط به رایانه به کار رفته است. در این جا نیز با توجه به معنای جاافتاده "کاربر" (چیزی که تولید یا ساختن آن به کار نیاز دارد) استفاده از این واژه در معنای جدید سبب سردرگمی خواهد شد.

مورد دیگر این که نوشته‌اند کاربرد "تنها بخشی از حوزه معنایی use را در برمی‌گیرد". من ادعا نکرده‌ام که "کاربرد" تنها معادل use است. آری، هر واژه یک طیف معنایی دارد. اما می‌توان گفت که "کاربرد" از اولین معانی use و usage است. واژه application که ایشان معادل "کاربرد" گرفته‌اند، البته نادرست نیست. اما اگر به فرهنگهای انگلیسی-فارسی نگاه کنیم می‌بینیم "کاربرد"، معادل دوم یا سوم application و در فرهنگهای انگلیسی (یک زبانه) نیز use معادل دوم یا سوم این واژه است. علاوه بر این، هر یک از این دو کاربردهای متفاوت دارند مثلاً در اقتصاد land-use داریم نه land-application، همچنان که در زمینه‌های دیگر to apply the rules داریم یا to apply the remedy که در اینجا نمی‌توان از use استفاده کرد. □